

متن پرسش

مشکل من اضطراب بود از سال ۱۳۹۷ که دو سال در حد داروهای اعصاب و روان و بسیار سخت که الحمدلله بهبود نسبی پیدا کرد خیلی بهتر شد اما این حالت در هنگام غروب آفتاب به اوج می‌رسد حالت دلشوره چند تا سطح داره اگر خیلی شدید باشه کاملاً در حالت معنوی موثر و با قرص باید کنترلش کنم یعنی تردید در ایمان احساس حمله شیاطین، ناامیدی‌ها و.. واقعاً غیر قابل توصیف اگر ضعیف تر باشه با ذکر، نماز، قرآن بصورت مقطعی کاهش پیدا می‌کنه برای درمانش خیلی متوسل شدم و نذر و نیاز کردم آخرین چله جدی تقریباً محرم سال قبل بود که زیارت عاشورا به روش آیت الله حق شناس را با امید بسیار و دقیق انجام دادم امید زیاد میگم چون خیلی تصادفی در ایام چله دو بار کربلا قسمت شد و تقریباً هفته آخر صبح ها با شروع طلوع آفتاب تو حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام خوندم. اما جالب اینکه ی حمله تقریباً شدید در پایان چله داشتم نمیدونم حکمتش چی بود؟ ببخشید خیلی طولانی شد دو تا عرض داشتم اول اینکه آیا میتونه این اضطراب همان خوف در آیه: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ ۚ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» باشه؟ یعنی وظیفه من صبر باشه؟ یا نه با اصرار و توسل و طلب از خداوند و... دنبال درمان باشم؟ اگر قابل درمان و وظیفه درمان چطور متونم با ذکر و یا... درمان کنم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این نحوه حضور را تقدیر این تاریخ بدانید، تاریخی که انسان باید در مقابل انکارهای بزرگ خود قرار گیرد و تنها با ایمانی بزرگ‌تر می‌تواند در جهان متعالی خود حاضر شود. چنانچه در این سال‌ها ملاحظه کرده‌اید همه عرض بنده آن است که انسان باید در جهان خود و سوبژگی خود حاضر گردد تا نسبت انسانی خود را با انسان کامل بیابد که البته موضوع ساده‌ای نیست. شاید کتاب «بشر جدید» شروع خوبی باشد، ولی فکر نکنید با حضور در چنین حالتی، عقب‌افتاده‌اید. به نظر بنده بخواهیم و یا نخواهیم این نسل با این انکارها روبرو می‌شود تا به بزرگ‌ترین ایمان که ایمان آخرالزمانی می‌باشد؛ نزدیک شود. اشاراتی در غزل شماره ۱۴۲ که مشغول شرح آن هستم، در این رابطه شده است. https://eitaa.com/varastegi_ir/1771 است. ۴۰۵۴۸ نیز رجوع فرمایید. با توجه به این امر نباید به خود سخت‌گیری کرد و از زندگی عادی که مردم در کنار همدیگر و با صلۀ رحم و خدمت به افراد، زندگی خود را شکل می‌دهند؛ باید زندگی را معنا کرد از آن جهت که حضرت علی «علیه السلام» می‌فرمایند: «و الزموا السَّوَادَ

الْأَعْظَمَ ، فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ ، وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ ، فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ ، كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ» با اکثریت [دین دار] جامعه همراه شوید؛ زیرا دست خدا با جماعت است. از پراکندگی بپرهیزید که جدا شده از مردم، طعمه شیطان است، همچنان که گوسفند جدا شده از رَمه، طعمه گرگ است. موفق باشید